

بازخوانی اهداف تأسیس بیت‌الحکمه و مواضع اهل بیت علیهم‌السلام در قبال آن

فرزانه حکیم‌زاده^۱

چکیده

تأسیس بیت‌الحکمه نهضتی علمی بود که در عرض نهضت اهل بیت علیهم‌السلام در صدر اسلام شروع شد و بخش مهمی از فعالیت‌های آن ناظر به ترجمه علوم عقلی و طبیعی از دیگر ملل بود. ترجمه متون فلسفی و منطقی یونان و حتی ایران باستان که ریشه در فلسفه ارسطویی داشت، می‌توانست خط فکری جدیدی را به مسلمانان عرضه نماید و بنیادهای معرفتی شیعه امامیه و حتی اهل تسنن را به خطر بیندازد. براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی و بازخوانی اهداف تأسیس بیت‌الحکمه و تقویت آن ازسوی خلفای عباسی انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که فعالیت اصلی بیت‌الحکمه ترجمه کتب وارداتی در علوم گوناگون بود. با توجه به فعالیت‌های اهل بیت علیهم‌السلام و گسترش مکتب امامیه، عباسیان برای از رونق انداختن نظام معرفتی شیعه به ایجاد بیت‌الحکمه و ترجمه متون از دیگر ملل روی آوردند. با وجود اینکه فعالیت‌های بیت‌الحکمه به دلیل نشر نظام معرفتی یونان برای جامعه اسلامی زیان بار بود، اما شیعیان بامدیریت اهل بیت علیهم‌السلام و تولید محتوای مناسب از این بحران به خوبی عبور کردند.

واژگان کلیدی: بیت‌الحکمه، مکتب علمی اهل بیت علیهم‌السلام، مأمون، ترجمه کتب در صدر اسلام، نهضت ترجمه در صدر اسلام، مواجهه اهل بیت علیهم‌السلام با ترجمه کتب.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۸
۱. دانش‌آموخته سطح چهارم، مدیر گروه علمی تاریخ اسلام، جامعه الزهراء علیها‌السلام، قم، ایران.

۱. مقدمه

هم‌زمان با روی کار آمدن خلفای عباسی، عصر جدیدی از رونق علمی در میان مسلمانان آغاز شد. فعالیت‌های علمی امامین صادقین علیهما السلام برای گسترش علوم مختلف عقلی و نقلی و حتی تجربی با استفاده از فرصت تحولات سیاسی کلان برای تغییر حاکمیت امویان زمینه این تحول را ایجاد کرد. تأسیس مراکز علمی در پایتخت عباسیان توسط خلفا المری، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۷۹/۵؛ ابن عدی، بی‌تا، ۵۵۶/۲. نیز در شمار یکی از پیامدهای مهم رونق مباحث علمی در جامعه اسلامی است که در نتیجه آن آثار علمی، فلسفی، ادبی و هنری تمدن‌های کهن به جامعه اسلامی راه یافت (جرجی زیدان، ۱۳۹۲، ۲۹۸/۴). یکی از این مراکز مهم بیت‌الحکمه بود. براساس گزارش‌های منابع متقدم، بیت‌الحکمه یک مرکز علمی بود که دانشمندان در آن مشغول ترجمه کتب گوناگون بوده و کتب زیادی نیز در آن نگهداری می‌شد. از جمله این کتاب‌ها، کتاب *کليلة و دمنه*، کتاب‌های ارسطو در منطقیات و... *المجسطی بطلمیوس*، هندسه *اقلیدس* و دیگر کتاب‌هایی که در علوم ریاضی و منطقی بود (ر.ک.، ندیم، ۱۳۶۶: ص ۱۴۲۰ هـ.ق، ۳۶۸/۱۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۰، ۱۹۱/۱۲). بسیاری از نویسندگان معاصر، بیت‌الحکمه را مرکزی با کارکردهای فراوان و دستاوردهای گسترده علمی مانند ترجمه کتب متعدد، تربیت دانشمندان در علوم مختلف، نشر افکار خردگرایانه معتزلیان و پایه‌گذار فرهنگ و تمدن اسلامی دانسته‌اند (ر.ک.، اندلسی، ۱۳۷۶؛ اولیری، ۱۳۷۴؛ لی، ۱۳۷۹).

از سوی دیگر به نظر می‌رسد با توجه به تمرکز مأمون عباسی بر ترجمه آثار مربوط به علوم عقلی مبتنی بر معرفت‌شناسی یونان به‌ویژه فلسفه و منطق، یکی از سیاست‌های مأمون عباسی رشد جریان فکری جدید با عنوان اعتزال بود تا با این شیوه، جریان‌های فکری و علمی رقیب را به چالش کشانده یا از میدان خارج کند. کشف اهداف اصلی مؤسسان و مروجان بیت‌الحکمه، از طریق بازخوانی مجدد انگیزه‌ها، کارکردها و اهداف تأسیس آن، هدف اصلی پژوهش حاضر است. سؤال اصلی پژوهش حاضری این است که انگیزه‌ها و اهداف واقعی تأسیس بیت‌الحکمه چه بود؟ مواضع امامان علیهم‌السلام در قبال بیت‌الحکمه چه بود؟ سیاست‌ها و برنامه‌های علمی امامان چگونه مانع توفیق بیت‌الحکمه بر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام شد؟ نتیجه پژوهش حاضر می‌تواند نوآوری در راستای دفع و رفع شبهات پیرامونی باشد.





کتاب و مقالاتی که نام برده شد فقط در مورد بیت الحکمه و کارکردهای آن مطالبی بیان شده است. آنچه که پژوهش حاضر را از سایر پژوهش های پیشین متمایز کرده و باعث اهمیت و ضرورت انجام آن شده است، نگاه تحلیلی ویژه به جایگاه بیت الحکمه و اهداف اصلی تأسیس آن و کشف رابطه بیت الحکمه با مکتب علمی اهل بیت (علیهم السلام) است. همچنین بررسی تفاوت قابل توجه گزارش های منابع کهن و پژوهشگران معاصر در رابطه با بیت الحکمه در پژوهش حاضر مطمح نظر است. نوآوری این نوشتار تحلیل هدف اصلی خلفای عصر اول عباسی از تأسیس و گسترش بیت الحکمه است که در منابع کهن و معاصر تبیین نشده است.

۳. گونه شناسی دیدگاه ها درباره بیت الحکمه

۳-۱. دیدگاه متقدمان درباره بیت الحکمه

بر اساس برخی گزارش ها سال ها قبل از روی کار آمدن عباسیان، اصطلاح بیت الحکمه عنوانی برای کتابخانه سلطنتی خلفا بود. (ر.ک.، واقدی، بی تا، ۳۰۲/۱؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ص ۹۱) از سوی دیگر با توجه به انتساب بیت الحکمه به هارون و برمکیان در برخی نقل های تاریخی می توان گفت که بیت الحکمه در دوره هارون تأسیس شد (ر.ک.، ندیم، ۱۳۶۶، ص ۱۱۸، صفدی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۳۶۸/۱۹). آنچه از منابع کهن درباره فعالیت های این نهاد گزارش شده این است که عده ای از دانشمندان در بیت الحکمه مشغول فعالیت علمی بوده و عنوان صاحب بیت الحکمه را داشتند (ندیم، ۱۳۶۶، ص ۱۱۸؛ صفدی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۳۶۸/۱۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۰، ۱۹۱/۱۲). همچنین بیت الحکمه محلی برای نگهداری کتب، محل ترجمه کتب فلسفی، طبی، ریاضی، ادبی و تاریخی و مکان نگهداری تصاویر و طلسم ها و پرچم ها نیز معرفی شده است. گفته شده است که پرچم های اسکندر مقدونی در محلی به نام بیت الحکمه نگهداری می شد (واقدی، بی تا، ۳۰۲/۱). بیت الحکمه در زمان مأمون معتزلی پر رونق بود، اما در اواسط دوره متوکل و خلفای پس از او، گرایش به اهل حدیث رونق گرفت و در نتیجه بیت الحکمه که کانون معتزله بود، رونق اولیه خود را از دست داد (بغدادی، ۱۴۱۵ ه.ق، ۶۸/۱۰؛ ذهبی، ۱۳۷۴/۱۱، ۱۲۵/۱؛ زرکلی، ۱۹۸۰، ۱۱۱/۸).

معتزله فرقه ای کلامی است که ابتدای سده دوم هجری - قمری ایجاد شد و بر اساس نقلی مشهور، نخستین رهبر این گروه واصل بن عطاء (م. ۱۳۱) بود (بغدادی، ۱۴۱۵ ه.ق، ص ۱۱۸؛

شهرستانی، ۱۳۶۴/۱، ۴۸). معتزله معتقد به اصالت عقل در برابر نقل بوده و عقل نظری را بر آموزه‌های وحیانی حاکم می‌دانستند (برنجکار، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲؛ گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۲۶۸).^۱ مأمون با تأثیر از این خردگرایی اعتزالی همت خود را مصروف ترجمه و تألیف کتب، به‌ویژه کتاب‌های فلسفه و منطق نمود و در زمان او بسیاری از کتاب‌های ارسطو ترجمه و به‌دنبال آن دامنه فعالیت‌های بیت‌الحکمه گسترده‌تر شد. (الدیوه جی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۱ - ۲۶۶)

۳-۲. دیدگاه معاصران درباره بیت‌الحکمه

نویسندگان معاصر، بیت‌الحکمه را آغازگر دوران جدیدی از پیشرفت فرهنگ در جهان اسلام می‌دانند که ازسویی آثار علمی دانشمندان ملل و نحل مختلف را ترجمه و ازسوی دیگر، تولید افکار و تربیت دانشمندان را در حد بالایی در دستور کار قرار داد. (صاعد، ۱۳۷۶، ص ۷۵-۷۶؛ اولیری، ۱۳۷۴، ص ۲۵۸؛ لی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۷؛ پروکلمان، بی‌تا، ۴۸۷/۲؛ زیدان، ۱۳۹۲، ۳/۶۴) با مرور برخی از توصیفات نویسندگان معاصر درباره بیت‌الحکمه می‌توان تفاوت این دیدگاه را با نظرات متقدمان دریافت. برخی از این نظرات عبارتند از:

- بیت‌الحکمه بغداد نخستین نهاد آموزشی و کتابخانه در نظام اسلامی بود که نقش مهمی در پرورش و گسترش علوم و فنون داشت و بیشتر به فلسفه و علوم ریاضی و طبیعی توجه داشت. این مرکز با هزینه دولت اداره می‌شد و محل اجتماع دانشمندان و پژوهشگران و مترجمانی بود که کتاب‌های علمی و فلسفی یونانی را به عربی ترجمه می‌کردند. در بیت‌الحکمه افزون برکار ترجمه، پژوهش، مطالعه و بحث آزاد علمی نیز رایج بود. (ولایتی، ۱۳۸۹/۱-۱۰۱-۱۱۳)

- سقوط خاندان بنی‌امیه و طلوع اقبال عباسیان دوره جدیدی از تحولات تاریخی، فرهنگی و علمی را در تمامی ممالک تابعه خلافت اسلامی به‌دنبال داشت. دوره‌ای که اربابان قلم آن را عصر طلایی اسلام (عصر الاسلام الذهبی)، دوره مدنیت اسلامی و عصر زین فرهنگ و تمدن اسلامی نام نهاده‌اند. انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد، نزدیکی

۱. اصالت عقل ثمراتی در نظام فکری و عقاید دینی معتزله به‌همراه داشته است که نتیجه آن برداشتی ویژه از توحید و عدل الهی است. از این‌رو، آن دسته از متون دینی را که به ظاهر با عقل ناسازگار است، تأویل کردند. به اعتقاد آنان عقل نه فقط برای پاسخ‌گویی به شبهات مخالفان و منکران دین، در قالب مناظره و جدل کارآمد است بلکه می‌تواند حتی بدون نیاز به راهنمایی وحی، اصول و مبانی معرفت دینی را کشف نماید و نظام معرفتی مبتنی بر عقل ارائه نماید. (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵، م ۳۹) البته جریان اعتزال، عقل رانه فقط منبع شناخت، بلکه مصدر الزام در وجوب نظر نیز معرفی می‌کرد. جایگاه نظر در معرفت و شناخت خداوند به عنوان اولین واجب در اندیشه همه بزرگان معتزله قابل بررسی است.



آن به کانون علمی جندی شاپور، حضور بی شائبه وزیران کاردان و مستشاران با کفایت ایرانی در دربار خلافت اسلامی و علاقه وافر خلفای نخستین بنی عباس به علم، ادب و فرهنگ پروری، نهضت بزرگ علمی و فرهنگی جهان اسلام را به بار نشانند. (جان احمدی، ۱۳۷۹، ص ۹۹)

- مسلمانان طی سه قرن در مؤسسه‌ای به نام بیت‌الحکمه، طور جدی مشغول ترجمه آثار علمی، فلسفی، ادبی و مذهبی تمدن‌های کهن بودند و از میراث انسانی بزرگی که سرچشمه‌های آن در شش زبان شناخته شده آن زمان یعنی عبری، سریانی، فارسی، لاتینی و از همه مهمتر یونانی بود، برخوردار شدند. (مدکور، ۱۳۶۲، ص ۷)

۳-۳. دیدگاه مستشرقان درباره بیت‌الحکمه

پس از بررسی مقالات و کتب معاصران در این زمینه می‌توان دریافت که منشأ سخنان آنان، آثار مستشرقان است. به نظر می‌رسد تحقیقات بعد از قرن بیستم از گزارش‌های غیر معتبر مستشرقان، افسانه بیت‌الحکمه خلفای نخستین عباسی را ساخت و آن را آکادمی مطالعه علوم کهن و مرکز ترجمه آثار یونانی به عربی پنداشت که حنین بن اسحاق (م ۲۶۰/۸۷۳) در آن فعالیت می‌کرد. نخستین بار، کتاب دلسی اولیری بیت‌الحکمه را برپاشده مأمون و در پیوند با طبیبان نسطوری بغداد از جمله حنین پنداشت. اولیری بی ذکر سند، زمان تأسیس بیت‌الحکمه را ۲۱۷ هـ ق (۸۳۲ م) خواند. به دنبال این اظهارات بی پایه و با الهام از کتاب برگستراسر یعنی، ترجمه رساله شرح حال‌گونه جالینوس، ماکس مایرهوف مقاله‌ای منتشر کرد که این افسانه را اشاعه داد. (مایرهوف، ۱۹۶۵ م، ص ۶۸۵-۷۲۸) مایرهوف در این مقاله و مقالات بعدی به زبان‌های آلمانی، انگلیسی و فرانسوی که به واسطه تخصص او در تاریخ پزشکی اسلامی، به‌طور گسترده‌ای معتبر شمرده شد، برداشت خیالی خویش را از بیت‌الحکمه تکرار کرد و بسط داد. او حتی آن را آکادمی تمام‌عیار و مؤسسه‌ای برای ترجمه معرفی کرد که مأمون قطعاً در سال ۸۳۰ یا ۸۳۲ تأسیس کرده است. در بیت‌الحکمه مایرهوف، تمامی نسخ خطی خلیفه نگه داری می‌شد و گروهی از مترجمان زیر نظر حنین بن اسحاق آنها را ترجمه می‌کردند. در همان ایام، مقاله بیت‌الحکمه اثر دومینیک سوردل در ویراست دوم *دایره‌المعارف* نیز همین تصویر را عرضه کرد. آثار بعدی نیز بیت‌الحکمه را دانشکده‌ای تمام‌عیار در اکثر علوم به‌ویژه علوم انسانی وصف کردند؛ با آنکه برای چنین سخنانی هیچ

شواهدی نیست. برخی از این مستشرقان عبارتند از: دلیسی (۱۳۷۴)، روزنتال (۱۳۸۵)، گوتاس (۱۳۸۱)، لی (۱۳۷۹)، بروکلیمان (بی تا)، کراوس (۱۹۶۵م) و مایرهوف (۱۹۶۵م).

در کتاب *الفهرست* ندیم (۲۸۵هـ.ق) در مورد علت تأسیس بیت الحکمه به خوابی اشاره شده است که مأمون بعد از دیدن آن خواب، در نامه‌ای از امپراتور بیزانس درخواست کرد تا گزیده‌های آثار موجود در کتابخانه‌های بیزانس را به بغداد آورد.^۱ امپراتور پس از پیشنهاد یکی از راهبان که گفت: «آنها را بفرست که به نفع توست؛ چرا که این کتاب‌ها در میان هر امتی نفوذ کند، ارکان آن امت منزلت می‌گردد» (فقطی، ۱۴۲۶هـ.ق، ص ۲۴-۲۳) با تردید و تأخیر موافقت کرد و مأمون نیز سلم را که بعدها صاحب بیت الحکمه نامیده شد، به همراه برخی دیگر برای انتخاب کتاب‌ها فرستاد تا آنچه را مناسب می‌دانند به کتابخانه بغداد منتقل کنند و به ترجمه این آثار فرمان داد. این جریان سرانجام منجر به تأسیس نهادی به نام بیت الحکمه در بغداد و انتشار آن در سایر بلاد اسلامی شد. (ندیم، ۱۳۶۶، ص ۲۴۳؛ الدیوه‌جی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۱-۲۶۶) به نظر می‌رسد این خواب داستانی عوام پسند است و نمی‌تواند منشأ آن همه زحمات و مخارج گزاف در راه انتقال کتب و ترجمه آنها باشد. از سوی دیگر علم دوستی خلفای عصر اول عباسی به‌ویژه مأمون و خردورزی ناشی از اندیشه اعتزالی او (به شکل مختصر در متون کهن و به صورت اغراق آمیز در منابع معاصر) علت اصلی تأسیس بیت الحکمه ذکر شده است.

۴. بازخوانی انگیزه تأسیس بیت الحکمه

همانطور که گزارش‌ها نشان می‌دهد در آثار کهن برخلاف کتب و مقالات اندیشوران معاصر گزارش قابل توجهی در مورد عظمت بیت الحکمه و نقش آن در تأسیس و رواج علوم عقلی و نقلی یافت نشد، اما پژوهش‌های جدید نتایجی برخلاف نظر گذشتگان را نشان می‌دهد و پایه‌گذاری و نشر علوم، فرهنگ و تمدن اسلامی را مرهون بیت الحکمه می‌داند.

۱. وی می‌نویسد: مأمون خواب دید که مردی با چهره‌ای سرخ و سفید، پیشانی بلند، ابروهای پرپشت، سراسر، چشمان آبی تیره و صورتی زیبا بر صندلی خود نشسته بود. مأمون گفت: «در خواب دیدم که پیش روی او با احترام ایستاده‌ام، سؤال کردم شما که هستید؟ جواب داد که من ارسطو (ارسطالیس) هستم. من از آنکه نزد او بودم خوشحال شدم و پرسیدم: ای حکیم، می‌توانم از شما سؤالاتی بپرسم؟ گفت: بپرس. گفتم: نیکی چیست؟ گفت: آنچه مطابق عقل نیکو باشد. سؤال کردم: و دیگر؟ در جواب گفت: آنچه که مطابق قوانین شرع نیکو باشد. پرسیدم: و دیگر؟ جواب داد: آنچه که در نظر مردم نیکو باشد. سؤال کردم: و دیگر؟ او جواب داد: و دیگر «دیگری» وجود ندارد». (ندیم، ۱۳۶۶، ص ۲۴۳)





این درحالی است که قبل از تأسیس بیت‌الحکمه تراث علمی اهل بیت (علیهم السلام) هم راستا با کتاب خدا و سنت نبوی به مراحل بالایی از پیشرفت رسیده بود. در عین حال، اسامی دانشمندان و مترجمان بیت‌الحکمه و مذاهب و ملیت آنها نشان می‌دهد که اصحاب برجسته اهل بیت (علیهم السلام) که در علوم مختلف صاحب نظر و متخصص بودند هیچ ارتباطی با این نهاد نداشتند. (رک. ندیم، ۱۳۶۶، ص ۳۶۴-۳۶۵) با توجه به اینکه سرمایه اصلی بیت‌الحکمه علوم وارداتی از کتب دانشمندان ایرانی، رومی و یونانی بود که پس از ترجمه این کتب در دسترس طالبان علم قرار می‌گرفت، می‌توان گفت که فعالیت اصلی این نهاد ترجمه کتب و خروجی آن نیز بخشی از علوم وارداتی مثل فلسفه، منطق، ریاضیات، هیئت، نجوم و داستان نویسی بود که هنوز در آغاز راه بوده و چندان پیشرفته و متقن نبودند.

مستشرقان اعتراف کرده‌اند که در زمانی که مسلمانان در قرون ۴ و ۵ هجری در اوج پیشرفت‌های علمی بودند، اروپاییان در بربریت به سر می‌بردند. چنانکه گوستاولوبون می‌نویسد: «در قرن نهم و دهم میلادی، همزمان با درخشش تمدن اسلامی در اندلس، مراکز علمی اروپا به شکل قلعه‌هایی بود که صاحبان آنها در حالت نیمه وحشی به سر می‌بردند و از اینکه دارای خط و سواد نبودند، احساس غرور می‌کردند. عالم‌تر از همه آنها راهب نادانی بوده است که با صرف تمامی اوقات خود، کتب قدیمی یونان و روم را از میان کتابخانه‌های کلیسا بیرون می‌کشید و عبارات و کلمات آن را روی اوراق پوستی حک می‌کرد». (گوستاولوبون، ۱۳۸۰، ص ۷۴۶)

کسانی که بیت‌الحکمه را مؤسس و مروج اکثر علوم و فنون دانسته و عصر عباسی را عصر طلایی فرهنگ و تمدن می‌نامند، باید پاسخ دهند که چگونه است که مسیحیان، ایرانیان و یهودیان که صاحبان اصلی این علوم بودند، خودشان پیشرفتی نداشته و بلکه در انحطاط فرهنگی به سر می‌بردند، اما ترجمه علوم آنان مسلمانان را به اوج ترقی علمی و فرهنگ و تمدن رساند؟!

برای پی بردن به تقابل بیت‌الحکمه با مکتب علمی اهل بیت (علیهم السلام) باید به شرایط فرهنگی و سیاسی خلفای عصر اول عباسی و شیوه مقابله آنها با مشکلات زمان خودشان توجه شود. در فاصله کوتاهی پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل و کتابت حدیث از سوی خلفا ممنوع شد که آثار زیانباری همچون فراموشی و تحریف سنن پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رواج اکاذیب و

اسرائیلیات و مواجهه جامعه اسلامی با خلأ فرهنگی - معرفتی را در پی داشت. در آغاز قرن دوم هجری و پس از لغو قانون ممنوعیت نقل و کتابت حدیث توسط عمر بن عبدالعزیز (بخاری، ۱۴۱ ه.ق، ۳۳/۱)، امام باقر علیه السلام حوزه علمیه تشیع را بنا نهاد و بسیاری از معارف دین را در زمینه های مختلف تعلیم داد تا جایی که گفته شده است که بزرگان فقها و علما همه علوم را از ایشان اخذ می کردند (ر.ک. مفید، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱۵۷/۲؛ فضل الله، ۱۴۰۱ ه.ق، ص ۲۲؛ اسدحیدر، بی تا، ۴۳۵/۲-۴۳۹).

سپس امام صادق علیه السلام با استفاده از فرصت دوران گذار دگرگیری های بنی امیه و بنی عباس، حوزه علمیه پدرش را در شاخه های متعدد علوم نقلی و عقلی و حتی تجربی به گونه ای توسعه داد که چهار هزار شاگرد در محضر ایشان کسب علم می کردند (ر.ک. مفید، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱۷۹/۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ه.ق، ۲۴۷/۴؛ طبرسی، ۱۳۹۰ ه.ق، ۲۸۴/۱). نشانه رشد شگفت انگیز علوم و معارف شیعی گزارش هایی است که از تخصصی شدن علوم حکایت می کند (ر.ک. کلینی، ۱۳۸۷/۱، ۴۱۶-۴۲۱).

محمد بن مسلم و زرارة بن اعین در فقه و هشام بن حکم در علم کلام، نمونه هایی از متخصصین علوم نقلی و جابر بن حیان شیمی دان یکی از نمونه های برجسته علوم تجربی است. در کتب متعدد شیعه و عامه نام صدها دانشمند برجسته در علوم مختلف که شاگردان بی واسطه و با واسطه امام صادق علیه السلام هستند، ذکر شده است (امین، ۲۰۰۳، ۶۶/۵)؛ حتی دو تن از امامان چهارگانه اهل سنت یعنی، ابوحنیفه و مالک بن انس در شمار شاگردان امام صادق علیه السلام بودند (ر.ک. صدوق، ۱۴۰۴ ه.ق، ۱۶۷/۱؛ آلوسی، ۱۳۷۳ ه.ق، ص ۸). ابوحنیفه در توصیف امام صادق علیه السلام گفته است: «من هرگز فقیه تر از جعفر بن محمد ندیده ام. او عالم ترین فرد این امت است» (خوارزمی، بی تا، ۲۲۲/۱). در حقیقت تلاش های علمی امامین صادقین علیه السلام باعث تثبیت و توسعه مبانی فرهنگ و معارف شیعی شد و زمینه گرایش طالبان علم از نقاط مختلف دنیا به این مکتب را فراهم کرد.

خاندان عباسی پس از استقرار متوجه شدند که نفوذ شخصیت امام صادق علیه السلام خطری جدی برای ادامه حکومت آنهاست. مهم ترین شیوه مقابله با نفوذ گسترده امام صادق علیه السلام و معارف شیعی مطرح کردن شخصیت های علمی مخالف شیعه و به راه انداختن جریان های فرهنگی و تأسیس مکاتب علمی و فرق مذهبی بود که علاوه بر بدیل سازی علمی در مقابل اهل بیت علیهم السلام خلأ فرهنگی - معرفتی ناشی از قانون ممنوعیت نقل و کتابت حدیث را نیز تا



حدودی پر می‌کرد. منصور عباسی بیوسته می‌کوشید تا با بزرگ جلوه دادن برخی از فقه‌های اهل سنت مثل مالک بن انس، شخصیت علمی امام صادق (علیه السلام) را تنزل دهد. وی به مالک می‌گفت: «به خدا تو عاقل‌ترین مردم هستی و اگر عمر من باقی بماند، فتاوا و اقوال تو را همانند مصحف نوشته و به تمام آفاق می‌فرستم و مردم را به پذیرش آن مجبور می‌کنم» (ذهبی، ۱۳۷۴/۱، ۲۰۹). درحقیقت منصور علاقه‌ای به مالک نداشت؛ بلکه قصد داشت آتش کینه و حسد خود را نسبت به امام صادق (علیه السلام) با برجسته کردن مالک و دیگر علمای مخالف فرو نشاند (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۳۳). همچنین از قول ابوحنیفه نقل شده است که منصور به من گفت: «مردم توجه عجیبی به جعفر بن محمد پیدا کرده و سیل جمعیت به طرف او سرازیر شده است. تو چند مسئله مشکل را آماده کرده و حل آنها را از جعفر بخواه و چون او نتوانست جواب مسائل تو را بدهد از چشم مردم خواهد افتاد. من نیز چهل مسئله بسیار پیچیده و مشکل آماده کردم» (المزنی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۷/۵-۷۹-۸۰؛ ابن عدی، بی‌تا، ۲/۵۵۶). باتوجه به این گزارش‌ها می‌توان دریافت که منصور عباسی در پی خدشه‌دار کردن جایگاه اجتماعی امام صادق (علیه السلام) و آواز علمی حضرت بود تا از این طریق محبوبیت ایشان را نزد مردم کم کند.

در زمان مأمون نفوذ معنوی و جایگاه علمی امام رضا (علیه السلام) به اندازه‌ای بود که مأمون را به شدت بیمناک ساخته بود؛ به همین دلیل وی با برپایی جلسات مناظره با دانشمندان و بزرگان ادیان و مکاتب مختلف در پی خدشه‌دار کردن عظمت علمی امام رضا (علیه السلام) بود. وقتی که نوفلی از طرف مأمون امام رضا (علیه السلام) را برای مناظره فراخواند، امام (علیه السلام) که از نیت مأمون آگاه بود، فرمود: «می‌دانی مأمون چه وقت پشیمان می‌شود؟ زمانی که با اهل تورات با تورات‌شان و با مسیحیان با انجیلشان... و با هر یک از دانشمندان با زبان خودشان استدلال کنم». پس از مناظره‌ای طولانی و پیروزی امام رضا (علیه السلام) بر همه دانشمندان، پسر عموی امام رضا (علیه السلام)، محمد بن جعفر، گفت: «می‌ترسم که مأمون او را مسموم کند» (صدوق، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۱/۱۵۴). پس از اقدام مأمون به برپایی جلسات مناظره، امام رضا (علیه السلام) خطاب به اصحاب خود فرمود: «فریب ظاهرسازی او را نخورید. من به دست مأمون به شهادت خواهیم رسید» (صدوق، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲/۱۸۳). شیخ صدوق می‌گوید: «مأمون اندیشمندان سطح بالای هر فرقه را در مقابل آن حضرت قرار می‌داد تا حجت آن حضرت را توسط آنان از اعتبار بیندازد و این به دلیل حسد او نسبت به امام و

منزلت علمی و اجتماعی ایشان بود). (صدوق، ۱۴۴ه.ق، ۱/۱۵۲) بی تردید شدت نگرانی خلفای عباسی از جایگاه علمی ائمه علیهم السلام و نفوذ فرهنگ تشیع در میان مسلمانان از خلال این گزارش‌ها دریافت می‌شود. درحقیقت تأسیس کتابخانه و ترجمه کتب متعدد فلسفی، طبی، ریاضی و نجوم و در نهایت تأسیس مرکزی رسمی به نام بیت‌الحکمه برای گسترش روزافزون این علوم در مرکز خلافت اسلامی رامی‌توان باهدف کم‌رنگ نشان دادن و به انزواکشاندن مکتب علمی اهل بیت علیهم السلام ارزیابی کرد.

تمام کسانی که از بیت‌الحکمه و علوم و آثار آن تعریف کرده‌اند، هیچ نامی از امامین صادقین علیهم السلام که مشهورترین دانشمندان آن زمان بوده‌اند، نبرده‌اند. همچنین از شاگردان برجسته آنان و ارتباط آنها با بیت‌الحکمه نیز سخنی نگفته‌اند. باتوجه به اینکه آوازه علمی جعفر بن محمد علیهما السلام و روی‌آوری علما از اقصی نقاط جهان برای استفاده از محضر علمی آن حضرت باعث شده بود که شاگردان بیشماری به شکل تخصصی تحت تعلیم او قرار گیرند تا جایی که حسن بن علی و شاء گفته است: «در مسجد کوفه نهصد نفر را دیدم که «حدیثی جعفر بن محمد» می‌گفتند» (اریلی، بی تا، ۱۶۶/۲)، انتظار این است که تعداد قابل توجهی از این شاگردان برجسته در بیت‌الحکمه فعالیت‌های علمی داشته‌ند و نام آنان در شمار علمای بیت‌الحکمه ثبت شده باشد. درحالی‌که حتی نام یک نفر از آنان در شمار فعالان بیت‌الحکمه نیامده است. در حقیقت، هدف نهضت ترجمه تحول در نظام فکری و آموزشی و توجه دادن عموم مردم به این فعالیت‌ها بود تا آنان را از رجوع به نظام فکری و آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام بازدارند. به عبارت دیگر، قصد داشتند بیت‌الحکمه بدیل مکتب ائمه اطهار علیهم السلام شود. ازاین رو، علمای شیعه زیر نظر امامان معصوم علیهم السلام احوال علمی و آموزشی را رصد کرده و بخشی از این علوم را که می‌توانست خطر ساز باشد، خنثی می‌کردند. مجلسی (م ۱۱۱۱ق) می‌گوید: «انگیزه خلفا از ترویج فلسفه یونان، دور کردن مردم از اهل بیت علیهم السلام و شرع مقدس اسلام بود» (مجلسی، ۱۳۸۶، ۵۷/۱۹۷). ازاین رو، فضل بن شاذان و هشام بن حکم از کسانی بودند که کتبی با عنوان *الرد علی المعتزله و الرد علی ارسطاطالیس فی التوحید* را نوشتند (رک.، طوسی، ۱۴۱۷ه.ق، ص ۴۹۵؛ نجاشی، ۱۴۱۸ه.ق، ص ۵۹۵). همچنین حسن بن موسی نوبختی متکلم امامی برجسته قرن سوم و سرآمد هم عصرانش، ردیه‌هایی بر فلسفه و منطق وارداتی یونان



باعنوان *الرد علی الابوالهذیل العلاف و الرد علی اهل المنطق* نوشت (ر.ک.، نجاشی، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۴۳). همچنین کتاب *الرد علی أرسطاطالیس* و کتاب *تناقض أقاویل المعتزله* نیز در شمار تصنیفات علی بن احمد أبو القاسم الکوفی نام برده شده‌اند (ر.ک.، نجاشی، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۲۶۶). آنان همچنین فعالانه وارد این عرصه شده و ائمه اطهار (علیهم السلام) را مرجع علمی و مدیر نظام آموزشی معرفی کردند. اهل بیت (علیهم السلام) نیز با صدور روایات ناظر به جریان های حاکم، فعالانه برخورد کرده و از انحراف شیعیان جلوگیری می‌کردند.

کار دیگر اهل بیت (علیهم السلام) تربیت شاگردانی که از طریق آنان تأثیرات جریان ترجمه محو شود، بود. چنان‌که هشام بن حکم افزون بر مناظره با ابو هذیل علاّف و عبید معتزلی، ردّیه‌هایی بر زنداقه، اصحاب اثنین، معتزله و آثار ارسطاطالیس درباره توحید و فلسفه یونان نگاشت (طوسی، بی تا، ۵۵۰/۲؛ نجاشی، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۴۳).

۵. مواجهه فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام) با اقدامات بیت‌الحکمه

از آن روی که مأمون عباسی طرفدار افکار اعتزالی بود، سرمایه‌های مادی و معنوی بیت‌الحکمه را برای ترویج اصول افکار معتزله به کار گرفت. البته حمایت‌های گسترده مأمون از فعالیت‌های بیت‌الحکمه پس از شهادت امام رضا (علیهم السلام) و بازگشت مأمون به بغداد شروع شد. اکنون جای این پرسش است که باتوجه به آثار منفی بیت‌الحکمه و جریان ترجمه، امامان معصوم (علیهم السلام) در برابر این رویداد علمی چه اقدامی انجام دادند؟ برای رسیدن به جواب باید بررسی کرد که در جریان ترجمه چه علوم زبان باری وارد سرزمین‌های اسلامی شد؟ آیا این علوم تأثیرات منفی در روند فعالیت آموزشی شیعیان نیز داشته است؟ در پاسخ می‌توان گفت که افزون بر جمع‌آوری تاریخ عرب و انتقال و ترجمه علوم به زبان‌های مختلف، بیشتر اقدامات آنان در زمینه ریاضیات، نجوم، فلسفه، منطق، طب، آیین اداری، ادبی، مهندسی و هنر بود. (مسعودی، ۱۳۷۴، ۲۲۳/۴؛ ناجی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴) بررسی و تشخیص تأثیر زبان هرآنچه از این علوم ترجمه شد، کار دشواری است، اما به نظر می‌رسد برخی از علوم مثل فلسفه و منطق می‌توانست تأثیرات مستقیم و غیر مستقیمی در مبانی اعتقادی و فرایند آموزش و پژوهش داشته باشد. چنان‌که اهل تسنن در تعریف برخی موضوعات به سخنان ارسطاطالیس ارجاع می‌دادند (ر.ک.، آمدی، ۱۴۲۳ ه.ق، ۳۰۸/۳). در حقیقت تأثیرات سوء نهضت

ترجمه در جهان اهل سنت به دلیل قائل بودن به انقطاع و انسداد وحی، اتفاق افتاد و سبب تغییر نگرش آنان درباره مباحث اعتقادی شد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ۴۲۹/۱، ۴۳۸).

امامان معصوم علیهم السلام در مناظرات، مباحثات و مکتوبات خویش بطلان اصول اعتقادی پرورش یافتگان فرقه معتزله در بیت الحکمه را به تبیین نموده و شیعیان و سایر مسلمانان را برای دفاع از اعتقادات حق خویش توانمند کردند. در این گفتار از هریک از سه امامی که متناسب با انحرافات زمان خویش به بیان حقایق پرداختند، نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم.

۵-۱. مقابله امام جواد علیه السلام با عقل‌گرایی افراطی فعالان بیت الحکمه

در زمان امام جواد علیه السلام پانزده تن از دانشمندان معتزله که از فعالان بیت الحکمه بودند، می‌زیستند. (صدوق، ۱۴۴ه.ق، ۱/۱۸۹) آنان به شدت بر عقل‌گرایی تأکید کرده و نصوص دینی را با فهم ناقص خویش می‌سنجیدند (طبرسی، ۱۳۹۰ه.ق، ۲/۴۴۷). همچنین برخی از اخبار حاکی از تأثیرپذیری معتزلیان از فلسفه یونان است. شهرستانی می‌نویسد: «پس از نشر کتب فلسفی توسط بیت الحکمه در زمان مأمون، شیوخ معتزله این کتب را مطالعه کردند؛ سپس روش‌های فلسفی را با روش‌های کلامی در آمیختند و آن را با عنوان علم کلام به راهی از راه‌های علمی تبدیل کردند» (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۴/۴۷۱). دوران مأمون عباسی اوج اقتدار و عزت معتزله بود، وی به اهل دانش علاقمند بود (ابن خلدون، ۱۳۸۵ه.ق، ص ۴۸۰). معتزلیان نظر مأمون را به سوی خود جلب کرده و حتی پست‌های مهم و کلیدی را اشغال کردند. برخلاف همه ظاهرسازی‌های مأمون در تمایل به تشیع (مثل تخطئه معاویه، اثبات افضلیت امام علی علیه السلام و مسئله خلق قرآن) امام جواد علیه السلام هیچ حمایت و روی خوشی به او نشان نداد و از او حمایت نکرد. اظهار بی‌میلی درباره سکونت در بغداد و تشریفات دربار عباسی، منکوب کردن یحیی بن اکثم (بزرگترین دانشمند تربیت شده بیت الحکمه و قاضی القضاة مأمون) و نیز بیان اشتباه و انحراف ابن ابی دوؤاد معتزلی، دانشمند قدرتمند عصر معتصم، (رک.، عیاشی، ۱۳۸۰، ۲۲۰/۱؛ ابن کثیر، ۱۳۵۱ه.ق، ۱/۳۱۶) از جمله مبارزات سازماندهی شده امام جواد علیه السلام با انحرافات منادیان بیت الحکمه بود. امام جواد علیه السلام در پاسخ به مسائلی مانند مخلوق بودن قرآن پاسخی مطابق نظر مأمون داد، در عین حال از استفاده از شعار رسمی عباسیان خودداری نمود (رک.، کلینی،

۱۳۸۷، ۱۱۶/۱؛ صدوق، ۱۳۹۸ه.ق، ص ۹۳).

در کاخ مأمون همواره بحث‌های کلامی معتزلیان با مخالفانشان داغ بود. معتزله هرچه را عقل می‌پذیرفت قبول و اگر عقل نمی‌پذیرفت رد می‌کردند. امام جواد (علیه السلام) آنان را از عقل‌گرایی در توحید برحذر داشته و در پاسخ عبدالرحمن بن ابی نجران در مورد اینکه خداوند را چیزی توهم می‌کرد، فرمود: «چیزی که توهم می‌شود غیر معقول و غیر محدود است. آنچه که تو از چیزی توهم می‌کنی خداوند خلاف آن است. چیزی شبیه او نیست. اوهام، خداوند را درک نمی‌کنند و چگونه اوهام به درک او برسند درحالی‌که او خلاف آن چیزی است که اندیشیده شود و خلاف آن چیزی است که در اوهام تصور شود» (کلینی، ۱۳۸۷، ۲۰۲/۱، صدوق، ۱۳۹۸ ه.ق، ص ۱۰۶).

۵-۲. مقابله امام هادی (علیه السلام) با اعتقاد به تفویض و فتنه خلق قرآن

اعتقاد به تفویض در شمار انگاره‌های مهم معتزله بود و امام هادی (علیه السلام) در پاسخ به پرسش‌های مردم اهواز درباره جبر و تفویض، باطل بودن اعتقاد به تفویض را اثبات نمود و در بخشی از نامه خود چنین نوشت: «اگر خداوند احکام خود را به مردم واگذار کرده بود، می‌بایست هرچه را که آنها برگزیدند، راضی باشد و در برابر آن از سوی خداوند سزاوار اجر و ثواب باشند و در آنچه خلاف کنند، نباید کیفر ببینند؛ زیرا در حقیقت تکلیفی ندارند و اینچنین حرفی دو معنی دارد: یکی اینکه بندگان خدا بر او مسلطند و او را واداشته‌اند تا هرچه را که به میل و نظر خود اختیار کنند، بپذیرد؛ چه خدا بخواهد و چه نخواهد و این باعث ضعف و سستی در خداست. دیگر اینکه خداوند متعال از مطیع ساختن آنها به امر و نهی خود مطابق اراده خویش ناتوان است؛ چه آنها بخواهند و یا نخواهند اختیار امر و نهی و اجرای آن را به ایشان داده است و چون از زیر فرمان آوردن آنان، مطابق اراده خویش ناتوان بود، اختیار کفر و ایمان را به خود آنها واگذار کرده است... بنابراین، تفویض محال است. به راستی، حقیقت تفویض مخالف با آیات قرآن است که می‌فرماید: "خداوند کفر را برای بندگان نمی‌پسندد و اگر سپاسگزاری کنید از شما آن را می‌پسندد. از خداوند آن‌طور که شایسته است بپرهیزید و نباید غیر مسلمان بمیرید" (آل عمران: ۳). ما اهل بیت می‌گوییم که خدای عزوجل! مردم را به قدرت خود آفریده و توانایی بندگی و پرستش خود را به ایشان داده، سپس به آنچه خواسته است آنان را امر و نهی فرموده و پیروی فرمانش را از ایشان پذیرفته و با آن از آنها خشنود گشته و آنها را از نافرمانیش برحذر داشته و نافرمان را نکوهش کرده و با آن کیفر نماید».

یکی دیگر از بحث‌های مهمی که در آغاز قرن سوم و همزمان با رونق بیت‌الحکمه و افکار اعتزالی بنیان‌گذاران آن، دنیای تسنن را به خود مشغول کرد، جدال بر سر مسئله حدود و قدم قرآن بود که سبب پیدایش فرقه‌ها و گروه‌هایی در میان آنها شد. مأمون و معتصم کوشیدند تا علما و محدثان را به قبول مسئله خلق قرآن وادارند. در تاریخ، این فشار بر علما با عنوان «محنة القرآن» شهرت یافته است. آنها افرادی همچون احمد بن حنبل را که بزرگ اهل حدیث بود و به قدیم بودن قرآن اعتقاد داشت مورد اهانت و فشار قرار دادند و حتی به دستور آنها شلاق هم زده شد. باگذشت دوران مأمون و معتصم، متوکل جانب ابن حنبل را گرفت، ولی اعتقاد به قدیم بودن قرآن را بر دیگران تحمیل کرد. (کراجی، ۱۴۵هـ.ق، ۳۹۱؛ مجلسی، ۱۲۸۶/۱-؛ سبحانی، ۱۴۲۷هـ.ق، ۶۱۴/۳-۶۲۳). بااین حال، مسئله خلق یا قدیم بودن قرآن در میان شیعیان چندان انعکاسی نداشت؛ زیرا اهل بیت علیهم‌السلام شیعیان را از ورود به این مباحث نهی می‌کردند. نامه‌ای از امام هادی علیه‌السلام به یکی از شیعیان بغداد موجود است که به او می‌فرماید در این زمینه اظهار نظر نکرده و جانب هیچ یک از دو نظر یعنی، حدود یا قدوم بودن قرآن را نگیرد: «به نام خدای بخشاینده مهربان. خدا ما و شما را از فتنه ننگه دارد! به نظر ما جدال درباره قرآن بدعت است که پرسنده و پاسخ‌دهنده در آن شریکند. پرسنده چیزی خواسته که حقیقت نیست و جوابگو متحمل چیزی شده که برعهده ندارد. خالق جز خدا نیست و غیر او مخلوق است. قرآن همان کلام خداست. نامی از پیش خود بر آن منه تا از گمراهان باشی. خدا مرا و تو را از کسانی قرار دهد که در نهان از پروردگار خود بترسند و از قیامت در هراسند» (صدوق، بی‌تا، ص ۵۴۶).

۵-۳. مقابله امام حسن عسکری علیه‌السلام با شبهات کندی

امام حسن عسکری علیه‌السلام در دوران خود با شبهات اسحاق کندی (م ۲۵۲هـ.ق)، اولین فیلسوف مسلمان که در بیت‌الحکمه کتب فلسفی یونان را ترجمه می‌کرد، مواجه شد. وی کتابی را با عنوان *تناقضات القرآن* تألیف کرد. پس از اینکه امام حسن عسکری علیه‌السلام از این مسئله با خبر شد با یکی از شاگردان کندی ملاقات کرد. به او فرمود: «آیا بین شما شخصی دانا نیست که استادتان را از این راه و روشی که نسبت به قرآن پیش گرفته باز دارد؟ آن شخص گفت: چگونه این کار را انجام دهیم. امام فرمود: پیش او برو و در معاشرت با او گرم بگیر و او را در کارهایش یاری



کن. وقتی که کاملاً مأنوس شدی بگو برای من مسئله‌ای پیش آمده و می‌خواهم از شما بپرسم که اگر آورنده این قرآن نزد تو بیاید و بپرسد آیا جایز است که خدای متعال از کلمات قرآن غیر از آن معانی که تو گمان کرده‌ای، معنای دیگری اراده کرده باشد؟ او خواهد گفت که آری جایز است؛ زیرا او کسی است که وقتی این کلمات را شنید معنای واقعی آنها را می‌فهمد. سپس از او بپرس که تو از کجا می‌دانی؟ شاید خداوند غیر از آن معنایی که تو در نظر گرفته‌ای معنای دیگری اراده کرده باشد». شاگرد کندی به ملاقات استادش رفت و آنچه را که امام عسکری (علیه السلام) فرموده بود عمل کرد. کندی مدتی به فکر فرو رفت و سپس گفت: «بله! چنین چیزی محتمل است و دروازه‌های زبان عرب یک لفظ معانی مختلف دارد». سپس از آن دانشجو پرسید: «تو را سوگند می‌دهم! بگو این مطلب را چه کسی به تو آموخت؟» و پس از اینکه متوجه شد که امام حسن عسکری (علیه السلام) این سخنان را فرموده است، گفت: «اعتراف می‌کنم چنین سخنانی جز از این خانواده از کسی دیگر صادر نمی‌شود». انگاه دستور داد کتابش را آورند و آن را سوزاند. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ه. ق، ۴/۴۲۴)

۶. نتیجه‌گیری

تلاش‌های علمی اهل بیت (علیهم السلام) و روی‌آوری خیل عظیمی از طالبان علوم به محضر ایشان خلفای عباسی را به تقابل با حرکت فرهنگی اهل بیت (علیهم السلام) و تأسیس مرکزی به نام بیت‌الحکمه و ادار کرد. براساس گزارش‌های تاریخی منابع متقدم، بیت‌الحکمه ابتدا کتابخانه و مکانی برای ترجمه کتب از متون مختلف بود، اما در زمان مأمون عباسی، به یک مرکز ترجمه‌ای- پژوهشی تبدیل شد. در کتب و نگاهشته‌های مورخان معاصر، کارکردهای فراوان از جمله پایه‌گذاری و رشد فرهنگ و تمدن اسلامی را مرهون دانشمندان بیت‌الحکمه دانسته‌اند، درحالی‌که رشد عقل‌گرایی افراطی در قالب مکتب اعتزال یکی از دستاردهای تلاش‌های علمی اندیشمندان بیت‌الحکمه بود. باتوجه به گزارش‌های مربوط به افکار تربیت‌شدگان بیت‌الحکمه و مواجهات اهل بیت (علیهم السلام) در قبال این افکار، می‌توان هدف از ترجمه کتب متعدد فلسفی، طبی، ریاضی و نجوم و گسترش روزافزون این علوم در مرکز خلافت اسلامی را کم‌رنگ کردن و به انزوا کشاندن مکتب علمی اهل بیت (علیهم السلام) ارزیابی کرد. در حقیقت باید گفت که هدف اصلی از تأسیس بیت‌الحکمه و اعتباربخشی فراوان به

دانشمندان مسیحی، یهودی و زرتشتی مشغول در آنجا، تضعیف مکتب اهل بیت علیهم السلام و به انزوا کشاندن شاگردان برجسته و متخصص آنان در علوم عقلی، نقلی و تجربی بود.

فهرست منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۸۵ ه.ق). *المقدمه*. مترجم: کتابداری، محمد. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. ابن شهر آشوب، محمدبن علی (۱۳۷۹ ه.ق). *مناقب آل ابي طالب*. قم: انتشارات علامه.
۳. ابن عدی، عبدالله (بی تا). *الکامل فی ضعفاء الرجال*. بیروت: دارالفکر.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن کثیر (۱۳۵۱ ه.ق). *البدایه والنهایه*. بیروت: مکتبه المعارف.
۵. اربلی، علی بن عیسی. (بی تا). *کشف الغمه فی معرفه الانامه*. محقق: رسولی، سید هاشم. تبریز: بی جا.
۶. اسد حیدر (بی تا). *الامام الصادق و المذاهب الاربعه*. اصفهان: مکتبه الامام امیر المومنین علیه السلام.
۷. آلوسی، محمودشکری (۱۳۷۳ ه.ق). *مختصر التحفه الاثناعشریه*. محقق: محب الدین الخطیب. قاهره: دارالنشر.
۸. آمدی، سیف الدین (۱۴۲۳ ه.ق). *تکبار الافکار فی اصول الدین*. محقق: احمد محمد مهدی. قاهره: دارالکتب.
۹. امین، احمد (۲۰۰۳ م). *صحی الاسلام*. مصر: المکتبه الاسره القاهره.
۱۰. اندلسی، صاعد (۱۳۷۴). *التعریف بطبقات الامم*. محقق: جمشید نژاد، غلامرضا. تهران: بی تا.
۱۱. اولبری، دلیسی اونز (۱۳۷۴). *انتقال علوم یونانی به عالم اسلام*. مترجم: آرام، احمد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. بخاری، اسماعیل (۱۴۰۱ ه.ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دارالفکر.
۱۳. برنجکار، رضا (۱۳۷۸). *آشنایی با فرق و مذاهب*. قم: مؤسسه فرهنگی طه.
۱۴. بروکلان، کارل (بی تا). *تاریخ الادب العربی*. مصر: المنظمه العربیه و الثقافه و العلوم.
۱۵. بغدادی، عبدالقاهر (۱۴۱۵ ه.ق). *التفریق بین الفرق*. محقق: ابراهیم رمضان. بیروت: دارالفتوی.
۱۶. جان احدی، فاطمه (۱۳۷۹). *نهضت ترجمه: نتایج و پیامدهای آن*. *نشریه تاریخ اسلام*، ۴، ۶-۱۴۲.
۱۷. جعفریان، رسول (۱۳۷۶). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام*. قم: مؤسسه انصاریان.
۱۸. حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۳۶۳ ه.ق). *تحف العقول*. مترجم: غفاری، علی اکبر. قم: انتشارات آل علی علیهم السلام.
۱۹. خوارزمی، موفق بن احمد (بی تا). *جامع التسنیید*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۰. ذبیحی، سعید (۱۳۸۷). *بیت الحکمه*. مترجم: دادگر، رضا، و امین، میثاق. *نشریه اقوام و مذاهب*، ۲(۷)، ۲۱۱-۲۶۶.
۲۱. ذهبی، شمس الدین (۱۳۷۴). *تذکره الحفافظ*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. ربانی گلیباگانی، علی (۱۳۷۷). *فرق و مذاهب کلامی*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۳. روزناتز، فرانز (۱۳۸۵). *میراث کلاسیک اسلام*. مترجم: پلاسید، علیرضا. تهران: طهوری.
۲۴. زرکی، خیرالدین (۱۹۸۰ م). *الاعلام*. بیروت: دارالعلم للملایین.
۲۵. زیدان، جرجی (۱۳۹۲). *تاریخ تمدن اسلام*. مترجم: جواهرکلام، علی. تهران: امیرکبیر.
۲۶. سبحانی، جعفر (۱۴۲۷ ه.ق). *بحوث فی الملل والنحل*. قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۲۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۴). *الملل والنحل*. قم: الشریف الرضی.
۲۸. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۸ ه.ق). *التوحد*. محقق: حسینی، هاشم. قم: جامعه مدرسین.
۲۹. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ ه.ق). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. تهران: علمی.
۳۰. صدوق، محمد بن علی (بی تا). *المالی*. مترجم: کمرهای، محمد باقر. تهران: چاپخانه فردوسی.
۳۱. صدقی، صلاح الدین (۱۴۲۰ ه.ق). *الوفای بالوفیات*. بیروت: دار احیاء التراث.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ ه.ق). *اعلام النبوی باعلام الهدی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ ه.ق). *الفهرست*. محقق: قیومی، جواد. بی جا: بی تا.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *اختیار معرفه الرجال*. بی جا: مرکز نشریه آثار علامه مصطفوی.
۳۵. عبدلی مهرجودی، حمیدرضا (۱۳۹۵). *کتاب از بیت الحکمه سیاسی تا نهضت ترجمه فرهنگی*. تهران: گیتا.
۳۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر عیاشی*. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۳۷. فضل الله، محمد جواد (۱۴۰۱ ه.ق). *الامام الصادق*. بیروت: دار الزهراء.
۳۸. قاضی عبدالجبار، ابوالحسن (۱۹۶۵ م). *المحیط بالتکلیف*. به کوشش عمرزعی. قاهره: بی تا.
۳۹. قفطی، علی بن یوسف (۱۴۲۶ ه.ق). *اختیار العلماء باحكام الحكماء*. محقق: ابراهیم شمس الدین. بی جا: بی تا.
۴۰. کراچی، محمد بن علی (۱۴۰۵ ه.ق). *کنز الفوائد*. محقق: شیخ عبدالله نعمه. بیروت: دارالاضواء.



۴۱. کراوس، پول (۱۹۶۵م). *التراجم، الارسططالية المنسوبة إلى ابن المقفع*. مترجم: بدوی، عبدالرحمن. بی جا: بی نا.
۴۲. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۷). *اصول کافی*. قم: دارالحديث.
۴۳. گوگوتاس، دیمیتری (۱۳۸۱). *تفکر یونانی فرهنگ عربی*. مترجم: حنایی کاشانی، محمدسعید. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴۴. گوستاولوبون (۱۳۸۰). *تمدن اسلام و عرب*. مترجم: گیلانی، فخرداعی. تهران: کتابفروشی علمی.
۴۵. لی، آلدومیه (۱۳۷۹). *علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان اسلام*. مترجم: شجاع رضوی، محمدرضا، و علوی، اسدالله. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۴۶. مایرهوف، ماکس (۱۹۶۵م). *من الاسکندریة الی بغداد*. مترجم: بدوی، عبدالرحمن. بیروت: دارالقم.
۴۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). *بحار الأنوار*. قم: انتشارات الاسلامیه.
۴۸. المزی، یوسفبن عبدالله (۱۴۱۳هـ.ق). *تهذیب الکمال*. محقق: بشارعواد، بیروت: مؤسسه الرساله.
۴۹. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۷۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. مترجم: یابنده، ابوالقاسم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵۰. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۶هـ.ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله من العباد*. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶). *مجموعه آثار دومین کنگره جهانی امام رضا علیه السلام*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۵۲. ناجی، عبدالجبار. و آجلو، فرزانه (۱۳۹۰). *نقش مستشرقین در انتقال دستاوردهای بیت‌الحکمه به غرب*. نشریه پیام بهارستان، ۱۳(۳): ۸۹-۵۱.
۵۳. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۱۸هـ.ق). *الرجال*. مصحح: شبیری زنجانی، موسی. قم: جامعه مدرسین.
۵۴. ندیم، ابوالفرج (۱۳۶۶). *الفهرست*. محقق: تجدد، محمدرضا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۵. واقدی، محمدبن عمر (بی تا). *فتوح الشام*. بیروت: دارالجلیل.
۵۶. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۹). *آفرینندگان فرهنگ و تمدن اسلام و یوم ایران*. تهران: امیرکبیر.
۵۷. یاقوت حموی، شهاب‌الدین (۱۹۹۰م). *معجم البلدان*. به کوشش فرید عبدالعزیز الجندی. بیروت: دارالکتب العلمیه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی